

صحبت و یا دفاع کردند نیز نباید از طرح موضوع بازمانند.

ز.ج.ن

نیازهای مالی صنعت نفت ایران

ایران دارای ۵٪ کل منابع نفت جهان و ۱۴٪ منابع شناخته شده گاز طبیعی دنیا است. توسعه منابع نفتی موجب این شده است که صنعت نفت مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران به شمار آید. در عین حال بر کسی پنهان نیست که درآمد نفتی عمده‌ترین درآمد صادراتی ایران است و پشتوانه اصلی توسعه اقتصادی ایران محسوب می‌شود. بدین ترتیب توجه به صنعت نفت و صنایع نوپای گاز و پتروشیمی در ایران باید از اولویت‌های سیاست‌گذاری اقتصادی باشد. تحولات دو دهه گذشته در ساختار اقتصادی و صنعتی ایران موجب بروز رشته پدیده‌هایی در اقتصاد ایران شده که مهم‌ترین آنها کاهش چشمگیر درآمد سرانه نفت است. به همین دلیل در چند سال گذشته تلاش محسوسی از سوی دولت برای بهبود وضعیت صنعت نفت و افزایش بهره‌وری این صنعت برای اقتصاد ملی صورت گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

تلاش برای کاهش مصرف داخلی: بالا رفتن مصرف داخلی نفت در ایران باعث کاهش قابلیت صدور آن شده است. لذا در چند سال گذشته توجه ویژه‌ای به معقول کردن مصرف داخلی نفت و فرآورده‌های نفتی شده که دارای

خبرنگاران که شرکت زنان در انتخابات ریاست جمهوری چگونه است؟ و چرا در این مورد در قانون انتخابات ابهام وجود دارد؟ گفت: در قانون انتخابات ابهام وجود ندارد... قانون اساسی صراحت دارد که فعلاً خانم‌ها نمی‌توانند رئیس‌جمهور شوند» (خبیر، شماره ۵۸، ۹ اردیبهشت ۱۳۷۶). البته وزیر کشور در ادامه صحبت تفسیر این قانون را در زمره وظایف شورای نگهبان دانسته است.

به عبارت دیگر، در شرایط فعلی زنان نمی‌توانند رئیس‌جمهور شوند، مگر شورای نگهبان تفسیر دیگری از قانون اساسی ارائه دهد. با توجه به رد شدن صلاحیت هر ۹ نفر زنی که کاندید ریاست جمهوری بودند، موضوع از دو حال خارج نیست: یا شورای نگهبان تفسیری حاکی از محرومیت زنان در احراز مقام ریاست جمهوری داده است و به دلایلی که خود صلاح دانسته آن را منتشر نکرده، یا آنکه ابداً توجهی به این موضوع نکرده است. در هر دو صورت بهترین راه برای آنکه اولاً روشن شود که سخنگویان مردم، یعنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی چه نظری در این مورد دارند، بهتر آن است که مجلس در صدد روشن کردن قانون انتخابات برآید و با افزودن تبصره‌ای، از زنان - حداقل در قانون انتخابات - محرومیت‌زدایی کند. با اینکار شورای نگهبان نیز فرصت ابراز نظر خواهد یافت. روشن است که وظیفه عنوان کردن این موضوع در مجلس بیش از هر کسی بردوش دولت است. در عین حال، آن دسته از نمایندگان مجلس که در طول مبارزات انتخاباتی خود با جدیت از حقوق زنان

نتایج مثبتی نیز بوده است. در همین راستا و برای کاهش مصرف نفت در داخل کشور، دولت و سازمان‌های مسئول به توسعه جدی منابع گاز ایران و ترویج مصرف گاز برای مصارف خانگی و صنعتی پرداخته‌اند.

افزایش ظرفیت‌های تولید نفت نیز از مقوله‌هایی بود که دولت پس از آشکار شدن چالش‌های صنعت نفت به آن پرداخت. پیش‌بینی برنامه پنجساله دوم در ادامه پروژه‌های برنامه پنجساله اول این بود که ایران در سال ۱۳۷۴ به ظرفیت تولید ۴/۵ میلیون بشکه در روز دست یابد. مهم‌ترین منابع برای دستیابی به این سقف تولید نیز منابع موجود ایران در خلیج فارس محسوب می‌شوند که نتیجتاً وزارت نفت با جدیت بیشتری به آنها توجه نمود. منابع صنعتی اذعان دارند که در حوزه خلیج فارس برای ایجاد ظرفیت پایدار تولید یک بشکه در روز نیاز به سرمایه‌گذاری ای بالغ بر ۱۰،۰۰۰ دلار دارد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که برای ارتقاء ظرفیت تولید ایران از حدود ۳/۶ میلیون بشکه به ۴/۵ میلیون بشکه در روز نیاز به ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری وجود داشت. دقیقاً به همین دلیل و به علت نیاز تاسیسات نفتی خشکی ایران به تجهیز و سرمایه‌گذاری‌های جدید، برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای را در سطح ۳۰ میلیارد دلار در صنعت نفت ایران پیش‌بینی کرد که بنا به داده‌های موجود در چارچوب برنامه، ۲۱ میلیارد دلار آن باید از منابع بودجه دولت و الباقی از منابع مالی خارجی تامین گردد. سیاست جدید وزارت نفت که در بهار ۱۳۷۴ با

امضای قرارداد مشارکت شرکت فرانسوی توتال در پروژه توسعه منابع نفتی حوزه جزیره سیری در خلیج فارس (که اولین قرارداد از این نوع با مشارکت خارجی بعد از انقلاب اسلامی به شمار می‌آید) و سپس در پائیز ۱۳۷۴ با معرفی ۱۱ پروژه دیگر برای مشارکت خارجی که تمامی آنها پروژه‌های توسعه منابع نفتی و گازی کشور است را نیز باید در همین چارچوب مورد ارزیابی قرارداد.

تحرکی که مراحل آن در بالا عنوان شد از یک سو قابل تقدیر بود و نشان می‌داد که دولت ایران و بالاخص وزارت نفت واقع‌بینانه به مسائل می‌نگرد و به راه‌حل‌هایی عملی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تامین تکنولوژی‌های مورد نیاز اندیشیده است. در عین حال، با وجود اینکه شرکت توتال در حال انجام پروژه توسعه منابع سیری است و ظاهراً قراردادی برای توسعه منابع نفتی بلال به امضاء رسیده است، هیچ نتیجه عملی دیگری از سیاست سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و به ویژه سیاست جلب سرمایه‌گذاری و تکنولوژی خارجی به دست نیامده است. به عبارتی دیگر، علاوه بر محدود ماندن سطح سرمایه‌گذاری خارجی، به نظر نمی‌رسد که دولت موفق به رهنمون کردن سرمایه‌های لازم به این بخش شده باشد. به این اعتبار می‌توان به عدم موفقیت دولت در جلب سرمایه‌های لازم برای توسعه منابع نفت و گاز اشاره کرد. و چه بسا با توجه به ارقام منتشره در سال جدید که بودجه ارزی سرمایه‌گذاری در صنعت نفت را کمتر از ۲ میلیارد دلار نشان می‌دهد، حتی انجام

سرمایه‌گذاری‌های لازم برای حفظ سطح فعلی تولید نیز با سختی انجام پذیر باشد. حال باید به دلایل این عدم موفقیت پرداخت:

به نظر می‌رسد که یکی از دلایل توجه اندک شرکت‌های معتبر جهانی نتیجه مستقیم فشارهایی است که دولت آمریکا علیه ایران اعمال می‌نماید. چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس، آقای محسن یحوی نیز به وجود این ارتباط اشاره کرد. عامل دیگری که جلب سرمایه‌گذاری خارجی را دشوارتر می‌سازد، ناروشنی نقش وزارت‌خانه‌های سیاسی و وزارت‌خانه‌های فنی در این زمینه است. مثال بارز این ناروشنی، اظهار نظر اخیر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه درباره عقد قرارداد توسعه منابع گازی حوزه پارس جنوبی با شرکت فرانسوی توتال است. خبری که به فاصله یک روز توسط وزارت نفت تکذیب شد. در واقع شکی نیست که پروژه‌هایی با این اهمیت همواره هم از نظر فنی شایان دقت هستند و هم از نظر سیاسی. اما تداخل این دو با یکدیگر نه به نفع پیشبرد امور فنی خواهد بود و نه به سود منافع سیاسی.

علاوه بر حضور بارز سیاست خارجی در این گونه تصمیم‌گیری‌ها، جنبه دیگر آن مسئله اقتصادی بودن و واقع‌گرا بودن خود پروژه است که نقش به‌سزایی در جلب شرکای خارجی ایفاء می‌نماید.

دولت ایران بیش از هر عامل دیگر مواجهه مسائلی است که در ارتباط با کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایجاد شده‌اند. به همین دلیل یکی از اقدامات مثبت دولت در

چارچوب بودجه سال ۱۳۷۶، ایجاد امکان سرمایه‌گذاری خصوصی در ساخت پالایشگاه و عرضه محصولات نفتی به شمار می‌آید. ولی به نظر نمی‌رسد که این حرکت برای حل معضلات این صنعت کافی باشد.

مهم‌ترین عاملی که می‌تواند به وضعیت فعلی ایران در زمینه توسعه صنعت نفت کمک نماید، شفافیت هرچه بیشتر برنامه‌ها و دستاوردها از یک سو و از سوی دیگر دوری جستن از برخورد شعاروارانه با صنعتی است که بنیه اصلی اقتصاد ایران محسوب می‌شود. بدیهی است که حساسیت مسائل در زمینه نفت و گاز بسیار بیشتر از سایر حوزه‌ها است و عدم شفافیت، ناروشنی احتمالی در برنامه‌ها و امیدهایی که نتوانند به واقعیت منجر شوند، لطمات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد ایران خواهد زد.

گفتگو ۱۳

ب.خ.خ.

«خودی» و «دیگری» در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ایران

از جمله تبلیغات منفی‌ای که مخالفان آقای خاتمی سعی کردند علیه وی سامان دهند، یکی هم آن بود که گفتند «دیگران» به حمایت از او اقدام کرده‌اند، یعنی که او دیگر لایق پشتیبانی «خودی‌ها» نیست. هرچند نتایج انتخابات نشان داد که گوش مردم به این حرف‌ها بدهکار نبود و عاقبت کار چنان شد که همه می‌دانیم، اما از منظر حاکم بر این افشاگری نباید ساده